

افغانستان آزاد – آزاد افغانستان

AA-AA

چو کشور نپاشد تن من مباد بدین بوم و بر زنده یک تن مباد
همه سر به سر تن به کشتن دهیم از آن به که کشور به دشمن دهیم

www.afgazad.com

afgazad@gmail.com

Literary-Cultural

ادبی - فرهنگی

اشعار لاهوتی ترجمه ها
آ. س. پوشکین
فرستنده : جاوید
۱۵ فیروزی ۲۰۱۹

یاد دارم

یاد دارم دم جانبخشی من،
ایستادی بر چشمم تو ظریف،
چون پدیده که ببرد آن،
همچون آلهه حسن لطیف.

مدتی غرقه اندوه، نومید،
بین هر روزه هیاهوی و شتاب،
گوشم آواز عزیز تو شنید،
نازنین چهر تو دیدم در خواب.

سالها بگذشت. افکار کهن
بشد از صرصر عاصی بر باد.
دلکش آواز تو شد دور از من،
ملکی چهر توام رفت از یاد.

دور، در ظلمت زندان، بی سود،
پس از آن می گذراندم ایام،
زندگی بی عشق و بی معبود،
بی اشک و بی روح و بی الهام.

روح را شد دم بیدار شدن:

باز پیدا شدى اینک تو ظریف،
چون پدیده که ببرد آناً،
همچون آلهه حسن لطیف.
دل کنون جوش زند شوق آلود:
بهر او از نو، با جلوه تام،
زنده شد هم عشق و هم معبود،
هم اشک و هم روح و هم الهام.